

مؤلفه‌ها، موانع و راه رسیدن به صلح عادلانه در اندیشه شهید عبدالعلی مزاری

محمد جواد برهانی*

چکیده

صلح دغدغه همیشگی بشر بوده و مصلحان اجتماعی برای تحقق آن در جامعه بشری تلاش کرده‌اند. شهید عبدالعلی مزاری از معدود رهبران افغانستانی است که برای آوردن صلح عادلانه تلاش کرده و در مورد مؤلفه‌ها، موانع و راه رسیدن به صلح عادلانه سخن گفته است. عناصر صلح عادلانه در اندیشه شهید مزاری را عدالت اجتماعی، انصاف، اندیشه و قضاوت منطقی، رعایت حقوق همه اقوام، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های کلان، داشتن اراده برای ایجاد صلح، از خودگذری، مدارای اجتماعی و کرامت انسانی تشکیل می‌دهد. برای رسیدن به صلح عادلانه موانعی نیز وجود دارد که انکار وجود مخالفان قومی و سیاسی، انحصارطلبی، قوم‌گرایی، تروریسم، تصورات قالبی و مداخله بیگانگان از جمله آن موانع شمرده می‌شوند. در عین حال برای رسیدن به صلح راه‌کارهایی وجود دارد که جریان‌سازی گفتمان صلح، فعالیت جامعه مدنی، حکومت‌داری خوب، تداوم گفت‌وگو با مخالفان، خروج نیروهای خارجی و از بین بردن مظاهر بی‌بندوباری و فساد از جمله مهم‌ترین راه‌کارها برای رسیدن به صلح به حساب می‌آیند.

* استاد حوزه و دانشگاه، نویسنده و مترجم.

واژگان کلیدی: صلح عادلانه، اندیشه عبدالعلی مزاری، عناصر صلح عادلانه، موانع

صلح، راه کار رسیدن به صلح.

مقدمه

صلح، آشتی و زندگی مسالمت آمیز در طول تاریخ از جمله خواسته های انسان بوده است. پیامبران، امامان و مصلحان اجتماعی با شعار صلح در جامعه ظهور کرده و برای تحقق صلح عادلانه تلاش کرده اند و در این راستا توفیقاتی هم داشته و دشمنان خونی را بهم آشتی داده و قلب های نامهربان را با همدیگر مهربان ساخته اند.^۱ بشر به صلح اجتماعی^۲ و امنیت نیاز دارد و تهدید صلح، تهدید جامعه بشری است؛ زیرا جنگ که از تهدید صلح به وجود می آید، همواره بشر را به سوی نابودی سوق داده و جامعه بشری را از پیشرفت و تکامل باز داشته است.

از میان موجودات، انسان موجود مختار و عاقل است که با اختیار و به مدد عقل خود قادر است نوع زندگی خود را انتخاب کند. عقل به عنوان پیامبر درونی که عادلانه در میان انسان تقسیم شده است، انسان را وادار می کند تا از جنگ دوری کرده و به دامن صلح و زندگی آرام پناه ببرد.

افغانستان در طی چهل سال جنگ، خسارات زیادی را متحمل شده است و آسیب های زیادی را دیده است. زیرساخت های اقتصادی و شهری کشور بر اثر جنگ از بین رفته و صدها هزار نفر کشته، مجروح، معلول و میلیون ها نفر هم مهاجر و آواره شدند. در کنار این آسیب ها، مردم افغانستان از نظر اخلاقی و روانی نیز آسیب جدی دیدند که سال ها وقت لازم است تا خسارت های قابل جبران آن، جبران شوند.

بدون تردید، وضعیت کنونی امنیت در کشور بسیار نگران کننده است و این وضعیت در شأن یک کشوری با سابقه تمدنی کهنی مانند افغانستان نیست. کشور افغانستان میراث دار مردانی است که فراتر از مرز کنونی مقتدرانه حکومت کردند و مردم با فرهنگ و عالمان مبتکر آن دیار، علم خود را سخاوت مندانه و متواضعانه در اختیار جهانیان قرار دادند. امروز، سفره جهان از برکت همان فرهنگ و علم پُر و مردم شان در صلح و امنیت زندگی می کنند؛ اما افغانستان سال ها است در آتش جنگ و ناامنی می سوزد.

۱. قرآن کریم از باب نمونه این گونه گزارش کرده است: **وَادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا (آل عمران/ ۱۰۳)**؛ یعنی نعمت خداوند را بیاد بیاورید که زمانی با همدیگر دشمن بودید و خداوند قلب های شما را مهربان ساخت و با همدیگر برادر گردیدید و شما آبا جنگ و خونریزی که به راه انداخته بودید در شرف افتادن در گودالی از آتش بودید که خداوند شما را نجات داد.

ضرورت صلح عادلانه در کشور بیش از هر زمانی دیگر احساس می‌شود. صلح جزء خواسته‌های همه اقوام و مردم افغانستان است. نخبگان دلسوز، جامعه مدنی، نخبگان دینی و مصلحان اجتماعی، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی همه وظیفه دارند تلاش کنند تا صلح عادلانه را به یک خواست عمومی مردم و به یک گفتمان غالب در افغانستان تبدیل نمایند.

شخصیت‌های زیادی در افغانستان در مورد صلح سخن گفته و تحقیق کرده‌اند؛ از جمله آن شخصیت‌ها می‌توان از شهید وحدت ملی عبدالعلی مزاری نام برد که در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های به‌جامانده از وی مطالب فراوانی در مورد صلح عادلانه یافت می‌شود. این مقاله در صدد واکاوی و بازخوانی اندیشه شهید مزاری در مورد صلح عادلانه، مؤلفه‌ها، موانع و راه‌کار رسیدن به آن با روش کتابخانه‌ای و توصیفی تنظیم شده است.

در کنار نظریه «صلح پایدار» که توسط کانت مطرح شد، نظریه «صلح عادلانه» با رویکرد خدامحوری در بین متفکران اسلامی مطرح است. طبق این نظریه، ریشه اصلی ناامنی و فقدان صلح، بی‌عدالتی است و با سازوکارهای خاص، اول باید بی‌عدالتی را رفع و در نهایت به صلح رسید.

شهید مزاری دقیقاً همین مشکل بی‌عدالتی را در جامعه افغانستان درک کرده و با بینش دینی و اشراف بر تاریخ ستم‌بار کشور، محوری‌ترین شعار و خواسته مردم خود را عدالت اجتماعی قرار داده بود. وی بر این باور بود که با تحقق عدالت در افغانستان می‌توان هم به محرومیت‌ها پایان داد و هم زندگی مسالمت‌آمیز را تجربه کرد.

مبانی فکری شهید مزاری در ارتباط با صلح عادلانه

صلح عادلانه دارای چند مبنا و آیشخور اساسی است. در ابتدا لازم است به این مبانی و آیشخور فکری شهید مزاری اشاره شود و آنگاه به مؤلفه‌ها، موانع و راه‌کار صلح عادلانه پرداخته شود.

مکتب و نظام فکری اسلامی و شیعی

شهید مزاری در مکتب فکری شیعه و حوزه تربیت و رشد نموده است. بدون شک، مکتب فکری شیعه بر اندیشه صلح‌طلبانه شهید مزاری تأثیرگذار بوده است.

تاریخ اقوام محروم

یکی از عوامل مؤثر بر اندیشه صلح عادلانه شهید مزاری، بررسی تاریخ پر از ستم و تبعیض کشور بوده است. ستم‌هایی چون: تبعیض، نادیده‌گرفتن شایستگی‌ها، توزیع ناعادلانه فرصت‌ها و

امکانات، تقسیمات ناعادلانه اداری، نادیده گرفتن میزان نفوس، غصب سرزمین، مالیات سنگین، کشتار دسته‌جمعی و نسل‌کشی مکرر قوم خاص، بر خوردار نبودن از حق برگزاری مناسک مذهبی، تحقیر، توهین و... باعث شد تا شهید مزاری برای آینده کشور گفتمان عدالت‌خواهی را ترویج و شعار صلح عادلانه را فریاد کند. شهید مزاری هم تاریخ افغانستان و هم تاریخ شیعیان افغانستان را خواند، درک کرد و آن را بیان نمود و برایش راه‌حل ارائه داد.

انسان مدنظر شهید مزاری انسانی است که دارای سرشت دو بُعدی خیر و شر است که زمینه‌های صلح‌خواهی یا جنگ‌طلبی بالقوه را دارا می‌باشد. انسان وقتی به صلح عادلانه دست می‌یابد که تحت تربیت قرار گیرد و بعد خیر او بر بعد شر او غلبه پیدا کند (میر محمدی، ۱۳۹۰: ۱۲۶). به عبارت دیگر، من فاعلی انسان باید کنترل گردد و من مفعولی‌اش در فرایند جامعه‌پذیری شکل بگیرد.

عدالت‌طلبی فطری انسان نیز غیر قابل تردید است. عدالت‌طلبی مبتنی بر ساختار وجودی انسان است. عقل در اسلام زمینه‌ساز تبلور و به فعلیت رساندن فطرت است. بدون عقل به مثابه پیامبر درونی و انبیا به عنوان پیامبران بیرونی، فطرت عدالت‌طلب به فعلیت نخواهد رسید؛ بنابراین، تعالیم دینی درست می‌تواند انسان را به سمت خیر، عدالت و فطرت پاک بشری رهنمون سازد. از نگاه متفکران اسلامی، هدف شریعت، تحقق عدالت در میان اعضای جامعه و نیز در کل جامعه است.

عناصر صلح عادلانه در اندیشه شهید مزاری در افغانستان

شهید مزاری در مجموعه سخنرانی‌هایی که از وی به‌جا مانده است، شرایط تحقق صلح عادلانه و عناصر و مؤلفه‌های آن را با توجه به کشور متکثر الاقوام افغانستان بیان داشته است که در شرایط کنونی نیز بسیار ارزشمند و قابل توجه است.

عزت و کرامت انسانی

اولین مؤلفه مهم که در صلح عادلانه مطرح امنیت، صلح عزت‌مندانه است. صلحی ارزش دارد که در آن کرامت انسانی قوم و ملتی حفظ و حقوق شهروندی آن مدنظر باشد. اگر صلحی به قیمت ذلت و خواری قومی به دست آید، این صلح نوعی تسلیم و برده‌داری است که به هیچ‌وجه از مصادیق صلح عادلانه شمرده نمی‌شود.

صلح، امنیت، عدالت و حفظ کرامت انسانی جزء حقوق اولیه و ذاتی بشر است. هیچ‌کس و به هیچ بهانه‌ای نمی‌تواند این حق را از ابنای بشر سلب کند؛ اما در عمل کرامت انسانی آسیب زیادی دیده است. در افغانستان بیش از هر کشوری در حق شهروندان افغانستانی ستم روا داشته شده و عزت و

کرامت آن‌ها پامال گردیده است. شهید مزاری دودستگی، جنگ و اختلاف قومی را باعث سرافکنندگی و اتحاد و رسیدن به یک توافقی که در آن حقوق اقوام و ملیت‌ها رعایت گردد را باعث عزت می‌داند (نگاه کنید به مزاری، بی‌تا: ۲۵۸-۲۵۹). ایشان در یکی از سخنرانی‌های خود بیان داشت: جنگ و جهاد افغانستان در برابر ابرقدرت شرق و شکست‌دادن آن باعث افتخار و عزت برای مردم و جهان اسلام گردید؛ اما جنگ‌های داخلی و ناتوانی در امر حکومت‌داری و ایجاد صلح باعث خجالتی و سرشکستگی ما گردید (مزاری، بی‌تا: ۲۲۶). شهید مزاری در بسیاری از سخنرانی‌های خود بیان داشته است که در گذشته هزاره بودن در افغانستان هم جرم و هم مایه ننگ بوده است؛ اما به برکت مقاومت، جهاد و فداکاری مردم، دیگر هزاره بودن نه جرم است و نه ننگ؛ بلکه در کنار سایر اقوام ساکن در افغانستان یکی از اقوام مقتدر کشور است که حق دارد مانند دیگران هم حق خود را مطالبه کند و هم افتخار کند که مسلمان و هزاره است و در افغانستان شریک است (مزاری، بی‌تا: ۲۲۱).

پذیرفتن وجود و حقوق مخالفان

عصر دوم صلح عادلانه، پذیرفتن مخالفان است. اگر وجود مخالفان انکار شود، در این صورت صلح عادلانه نه تنها امکان‌پذیر نیست؛ بلکه- همان‌گونه که در بخش موانع بدان اشاره شده است- انکار گروه قومی خود باعث تداوم جنگ و مخالفت با صلح است؛ آن‌گونه که در دهه شصت در سال ۱۳۶۷ پس از خروج شوروی از افغانستان و در دهه هفتاد در سال ۱۳۷۱ پس از فروپاشی دولت کمونیستی، رهبران پیشاورنشین شیعیان و هزاره‌های افغانستان را نادیده گرفتند و اعلان کردند که شیعه در افغانستان بیش از سه درصد وجود ندارد و آن‌ها نقشی هم در افغانستان و جهاد کشور نداشته‌اند تا نیاز باشد برای آن‌ها حقی در نظر گرفته شود و از آن‌ها برای تصمیم‌گیری نسبت به آینده کشور دعوت گردد (مزاری، بی‌تا: ۲۸۵). شهید مزاری با درک این واقعیت که وجود آن‌ها مورد انکار است، تلاش کردند تا در قدم اول وجود خود را در افغانستان تثبیت کنند؛ بنابراین، در نظر گرفتن واقعیت‌های جامعه و نادیده‌نگرفتن قوم و گروهی، یکی از اصول مهم رسیدن به صلح عادلانه است.

اراده صلح عادلانه و تعهد به پیمان‌ها

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های صلح، داشتن اراده برای ایجاد صلح و پایبندی به رعایت مفاد آن است. بدون شک، اراده بشر نقش برجسته در سعادت و شقاوت وی دارد. بشر مختار قادر است سرنوشت جمعی خود را مانند سرنوشت فردی‌اش رقم بزنند و تصمیم بگیرند تا نوع زندگی خود را در جامعه انتخاب کنند. در مسائل کلان سیاسی که اغلب نخبگان سیاسی و اجتماعی نقش برجسته دارند، با اراده

جدی خود می‌توانند در جامعه جنگ‌زده‌ای چون افغانستان، صلح ایجاد کنند و با پایبندی به مفاد صلح از طریق گفت‌وگو و جست‌وجوی راه‌حل منطقی، به نزاع‌ها پایان داده، زندگی مسالمت‌آمیز را برای شهروندان به ارمغان آورند.

شهید مزاری در یکی از سخنرانی‌های خود دربارهٔ افشار به موضوع ارادهٔ جدی‌اش برای آوردن صلح و پایبندی به آن این‌گونه بیان داشته است: ما هرچند انتظار داشتیم که همان‌گونه که در جنگ‌هایی که بالای ما تحمیل شده بود طرف بودیم، در صلح هم باید طرف قضیه می‌بودیم. به هر حال، مقدمات این توافق‌نامهٔ صلح در داخل افغانستان فراهم شد و ما آن را به‌خاطر مصالح کشور و مصالح مردم افغانستان و مصالح خومان که در تاریخ متهم نباشیم که ما مانع صلح شدیم و ما جنگ طلب بودیم، این توافق‌نامهٔ صلح را قبول کردیم. ما توافق‌نامهٔ صلح را امضا کردیم و در پای امضای خود هم ایستادیم و تا حالا هم رد نکرده‌ایم و آتش‌بس را رعایت کرده ایم. اما جانب مقابل که خود را دولت قانونی این کشور می‌داند، به توافق‌نامهٔ صلح عمل نکرده و آتش‌بس را رعایت نکرده و به تعهدات خود عمل نکردند. رهبران سیاسی افغانستان بارها توافق‌نامهٔ امضا کردند؛ اما بعد بدان عمل نکردند و آن را نقض کردند (مزاری، ۱۳۹۷: ۱۰۲-۱۰۴).

ایشان در سخنرانی‌اش در مورد استقبال از صلح در جمع اعضای شورای صلح در غرب کابل در تاریخ ۱۳۷۲/۸/۱ ضمن تأکید بر حقوق همهٔ اقوام ساکن در افغانستان و ضمن تأکید بر این‌که جنگ راه‌حل نیست، از پیشنهاد صلح استقبال کرده و از آن حمایت کرده می‌گوید: «ما چون از روز اول طرفدار جنگ نبودیم، هر صدایی که برای قطع جنگ بلند شده است، ما به آن صدا جواب مثبت داده‌ایم و هر دستی که دراز شد، ما دست برادری داده‌ایم» (مزاری، ۱۳۹۷: ۱۳۶). شهید مزاری در همان سخنرانی خود خطاب به اعضای شورای صلح بیان داشت: «حالا که شما احساس مسئولیت کرده‌اید، به شما هم می‌گوییم هر طوری که بتوانید جنگ را خاموش کنید، ما طرفدار آن هستیم» (مزاری، ۱۳۹۷: ۱۳۶). در بخش بعدی سخنرانی خود شهید مزاری بیان داشته است که وقتی صلح می‌شود، باید راه‌ها باز شود، اسرا مبادله گردد، آواره‌گان و بی‌جاشده‌گان هم به خانه‌ها و مناطق خود برگردند (مزاری، بی‌تا: ۲۱۱-۲۱۶).

عدالت اجتماعی اساس صلح عادلانه

صلح با همهٔ اهمیتی که دارد، خود زمینه‌ساز تأمین امنیت و تحقق عدالت می‌باشد که در آن همهٔ شهروندان یک کشور زندگی آرامی را تجربه کرده به حقوق عادلانهٔ خود برسند.

مهم‌ترین نکته‌ای را که شهید مزاری به‌عنوان پایان جنگ و استقرار صلح عادلانه در افغانستان بیان

کرده است و سخت بر آن تأکید داشته است، تحقق عدالت اجتماعی است که هم پشتوانهٔ دینی دارد، هم قانون اساسی فعلی بر اجرای آن اصرار دارد، هم جامعهٔ جهانی از آن حمایت و پشتیبانی می‌کند و هم مردم افغانستان خواهان اجرا و عملیاتی کردن آن هستند.

شهید مزاری در یکی از سخنرانی‌های خود به صراحت بیان می‌کند که «مردم افغانستان بیش از یک میلیون شهید برای تحقق عدالت اجتماعی، امنیت و سربلندی مردم افغانستان دادند، نه برای قدرت‌طلبی یک عده ریاست‌طلب که در آن طرف مرزها بودند و امروز با کمال تأسف آمدند و دیگران را نفی می‌کنند و به مردم ما تهمت می‌زنند.» (مزاری، ۱۳۷۴: ۲۲). ایشان هم‌چنین در دومین سمینار بررسی مسائل سیاسی افغانستان در کابل بیان داشت که «در گذشته افغانستان، حکومت اسلامی و یا قانونی که طبق خواستهٔ قاطبهٔ مردم بوده و یک نظام عادلانهٔ اسلامی را در کشور عزیز ما برقرار کرده باشد، به وجود نیامده است. حالا بعد از چهارده سال مبارزهٔ مسلحانه که مردم قهرمان افغانستان این افتخارات بزرگ را در دنیا کسب کردند که ابرقدرت شرق را به زانو درآورده و متلاشی کردند، باز هم به مشکل عدم حکومت قانونی و عادلانه مواجه هستیم.» (مزاری، ۱۳۹۷: ۱۲۳). مزاری در بخش دیگر از سخنانش از بی‌عدالتی گذشته سخن گفته و برای آینده راه را نشان داده، چنین بیان کرده است: «در گذشته ما با نظام‌هایی مواجه بودیم که بر پایه‌های تبعیض، ظلم و بی‌عدالتی استوار گشته بود و اکنون بعد از چهارده سال جهاد همهٔ اقشار مردم می‌خواهد که مطابق موازین اسلامی و بر مبنای عدالت اجتماعی، نظام دلخواه‌شان را به وجود بیاورند و همه در به‌وجود آوردن نظام و حکومت و در ادارهٔ آینده و آبادی مملکت شریک و سهیم باشند.» (مزاری، ۱۳۹۷: ۱۲۴). شهید مزاری هم‌چنین در مصاحبه‌اش با آرژانس خبری ایتالیا از عدالت اجتماعی سخن گفته، چنین بیان داشت: «هدف ما تشکیل حکومت اسلامی، مردمی، فراگیر و مبتنی بر عدالت اجتماعی در افغانستان است. ما می‌خواهیم ستم‌های چندین قرن بر مردم افغانستان پایان یابد.» (مزاری، ۱۳۹۶: ۸۲).

شهید مزاری در یکی دیگر از سخنرانی‌های خود بحث تقسیمات بر اساس نفوس را مطرح و آسیب‌های آن را در افغانستان بیان کرده، در یک جمع‌بندی طرح تشکیلات عادلانه را مطرح می‌کند که در آن حقوق همهٔ ملیت‌های ساکن در افغانستان تأمین گردد. ایشان می‌فرماید: «همهٔ ملیت‌ها باید به حقوق‌شان برسند تا راه برای یک سرشماری درست هموار شود تا یک تشکیلات ملکی عادلانه به اساس قانون و رأی مردم ساخته شود و در آینده آن قانون حاکم باشد.» (مزاری، بی‌تا: ۷۰). ایشان هم‌چنین در دومین سمینار بررسی مسائل سیاسی افغانستان در کابل در مورد تعدیل واحدهای اداری بیان داشت: «همه می‌دانیم که در گذشته واحدهای اداری افغانستان عادلانه نبوده‌اند. اولاً امروز در سطح بین‌المللی مسئلهٔ نفوس معیار و اصل پذیرفته شده است که تمام برنامه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی

و... بر مبنای آن صورت می‌گیرد. برنامه‌ریزی‌های پنج‌ساله، ده‌ساله و... در کشور باید بر مبنای نفوس باشد تا موفق گردد؛ اما در افغانستان تا کنون نفوس‌شماری دقیق و عادلانه صورت نگرفته است. (مزاری، بی‌تا: ۱۹۰). شهید مزاری در جای دیگر، به صورت مشخص، نمونه‌هایی از تشکیلات ناعادلانه را نام برده که دوازده هزار نفوس هم یک رأی داشت و چهل و سه هزار هم یک رأی.^۱ به نظر شهید مزاری اگر این تقسیمات و تشکیلات ناعادلانه حل نگردد، مشکلات کشور همچنان لاینحل باقی خواهد ماند (مزاری، بی‌تا: ۷۰). شهید مزاری سه خواسته مشخص از دولت موقت ربانی داشته است که آن را به صراحت چنین بیان داشته است: رسمیت مذهب شیعه، تغییر تشکیلات ظالمانه گذشته و شرکت شیعیان در تصمیم‌گیری (مزاری، بی‌تا: ۱۰۴).

شهید مزاری هم چنین عقیده دارد که باید از همه امکانات، فرصت‌ها،^۲ بیت‌المال و قدرت دولتی عادلانه برای همه استفاده گردد و سوء استفاده صورت نگیرد. ایشان در یکی از سخنرانی‌های خود در این مورد چنین بیان داشته است: «در دولت از پول مردم علیه مردم سوء استفاده نشود و از قدرت دولت نیز سوء استفاده نشود و شورای عادلانه دایر گردد.» (مزاری، بی‌تا: ۱۰۱).

رعایت انصاف و قضاوت منصفانه

«انصاف» در روابط و مناسبات اجتماعی و امور سیاسی و اداری به مفهوم نصف کردن سود و زیان میان خود و دیگران و پاس داشتن عدالت و حفظ حقوق دیگران همانند حفظ حقوق خود و در مقام داوری حقوق طرفین را یکسان و برابر رعایت کردن است. «انصاف در این وادی، بدین معناست که هرکس حقوق دیگران را رعایت کند و آن را چون حقوق خود بداند و برای دیگران حقوقی برابر خود قائل باشد و آنچه برای خود می‌خواهد، برای دیگران نیز بخواهد و مزایا و بهره‌های زندگی را میان خود و مردمان برابر تقسیم نماید.» (برهانی، مخطوط: ۱۱۵).

شهید مزاری رفتار و قضاوت منصفانه را هم برای رسیدن به صلح عادلانه و هم برای رسیدن به عدالت اجتماعی لازم می‌دانست. ایشان در یکی از سخنرانی‌های خود در تاریخ ۱۳۷۱/۱۰/۱۶ به این امر اشاره کرده، چنین بیان می‌دارد: اگر در افغانستان قضاوت‌ها منصفانه نباشد، امکان آوردن صلح عادلانه و پایان دادن جنگ امکان‌ناپذیر است و اقوامی مجبور است برای اثبات هویت و موجودیت

۱. شهید مزاری در دومین سمینار بررسی مسائل سیاسی افغانستان در کابل بیان داشته است که طبق سروی ناقصی که درباره واحدهای اداری در سال ۱۳۵۱ انجام داده است، یک واحد اداری را از سه هزار گرفته تا صد و شصت هزار نفر تشکیل دادند که در انتخابات از سه هزار هم یک نماینده بیاید و از صد و شصت هزار نفر هم یک نماینده، این معیار از نگاه عدالت اجتماعی و در عرف سیاسی قابل قبول نیست (مزاری، بی‌تا: ۱۹۱).

۲. شهید مزاری در یکی از سخنرانی‌های خود از پاب نمونه در مورد عدم توزیع فرصت برابر چنین بیان می‌کند: در تاریخ افغانستان از مقامات دولت گذشته، رسماً مکتوب نوشته می‌شد که از مردم تشیع و هزاره کسی در وزارت دفاع و پوهنتون حربی گرفته نشود (مزاری، بی‌تا: ۳۲۳).

خود، دست و پا بزنند تا به دیگران تفهیم کنند که آن‌ها هم در افغانستان وجود دارد و برای بیرون راندن متجاوزان از افغانستان نقش ایفا کرده‌اند. شهید مزاری قضاوت برخی از رهبران پیشاور را برای اثبات مدعای خود یادآوری می‌کند که آن‌ها از رادیوها اعلان کردند که شیعه در افغانستان بیش از دو یا سه درصد نیست و این درصد ناچیز هیچ حق ندارد که در حکومت نقش داشته باشد و این حرف عقلایی است (مزاری، ۱۳۷۴: ۵۲). شهید مزاری به کمک‌های هفتاد میلیارد دلاری که برای جهاد چهارده‌ساله افغانستان گردید، اشاره می‌کند که از آن مبلغ حتی یک دالر هم به شیعیان و هزاره‌های افغانستان ندادند و بالاتر از آن نه تنها یک دالر از امتیازات جهاد به ما نرسید که در سال ۶۷ حضور ما را هم در جهاد و در افغانستان منکر شدند و گفتند شیعه‌ها و هزاره‌ها فقط دو الی سه درصد می‌باشد که این درصد اندک حق ندارند که برای تعیین سرنوشت و خانه مشترک خود سهم بگیرند (مزاری، بی‌تا: ۲۲۲). ایشان در تاریخ ۲۴ دلو ۱۳۷۳ در آخرین سخنرانی خود همین مسئله را باز یادآوری کرده و بیان می‌کند که «اکثر قاطع این کمک‌ها در پاکستان مصرف شد و از خون مردم خانه‌ها ساخته شد.» (مزاری، همان: ۳۴۶). همان‌گونه که مشاهده می‌شود، ممکن است شخص معتقد به عدالت باشد؛ اما در عین حال در داوری خود اشتباه کند و یا به صورت عملی گروه اجتماعی قابل توجهی را نادیده بگیرد و غیر منصفانه قضاوت کند. روشن است که در این صورت نیز صلح عادلانه تحقق پیدا نمی‌کند.

اندیشه و تصمیم منطقی برای رسیدن به صلح عادلانه

یکی دیگر از عناصر صلح عادلانه، اندیشه و رفتار منطقی است که در گفته‌های شهید مزاری مکرر دیده می‌شود. از ویژگی آدم منطقی این است که بر اساس منطق و استدلال تصمیم‌گیری و قضاوت می‌کند. تصمیم‌گیری یک فرایند ذهنی یا شناختی است که به فرد کمک می‌کند تا از میان رفتارهای متفاوتی که می‌تواند انجام دهد، یکی را به عنوان مناسب‌ترین عمل، گفته یا واکنش در شرایط خاص انتخاب کند که پشتوانه منطقی و عقلی داشته و بتوان برای آن استدلال کرد و خود و دیگران را با آوردن دلیل قانع کرد و اگر هم نتواند قانع نماید، خود برای کارش دلیل منطقی داشته باشد.

گاه رفتار و عادات رفتاری انسان به گونه‌ای است که غیر منطقی بودن آن کاملاً آشکار است و این نوع رفتار در سطح کلان باعث تنش و ناامنی می‌گردد.

شهید مزاری درباره فتوای غیر منطقی برخی از رهبران جهادی که علیه حزب جنبش اسلامی فتوای جهاد داده بودند، بیان داشت: «فتوای جهاد علیه جنبش نه از نگاه شرعی درست است، نه از نگاه سیاسی درست است و نه از نگاه ملی درست است. عقیده ما این است که این فتوا عقلانی و منطقی نیست. هر کسی بیاید منطقی برخورد نکند. اگر شخصی تلاش کند تا وحدت ملی را بهم بزند

و تضاد ملی را به وجود بیاورد، ما آن را قبول نداریم و چنین شخصی را خائن ملی می‌دانیم. ثلث مردم افغانستان را شما تشکیل می‌دهید از اولش انحصارگرایانه و غیر منطقی برخورد کردند و ما را از تصمیم‌گیری به بهانه این که ما در افغانستان وجود نداریم، حذف کردند. امروز آمده است با همین منطق موجودیت شما را انکار کرده و علیه شما فتوای جهاد صادر کرده است. باید در شرایط کنونی منطقی اندیشید و منطقی رفتار کرد و به فکر منافع علیای کشور بود و این امر وقتی امکان‌پذیر است که از موضع‌گیری غلط و غیر منطقی دست برداریم و الا افغانستان تجزیه می‌شود و این امر به نفع هیچ‌کس نیست.» (مزاری، ۱۳۷۴: ۱۵۴-۱۵۵). روشن است که فتوایی از این سنخ که بیان شد، باعث می‌شود که صلح عادلانه تحقق پیدا نکند و آتش جنگ همیشه شعله‌ور باشد. امروزه، طالبان نیز با اعلان جهاد علیه دولت مرکزی، آتش جنگ را روشن کرده و تا زمانی که تغییر موضع ندهد و واقعیت‌ها را نپذیرد، صلح عادلانه در افغانستان امکان‌پذیر نیست.

رعایت حقوق همه اقوام و ملت‌ها

در کشور چندقومی، صلح عادلانه وقتی امکان‌پذیر است که حقوق همه اقوام به تناسب موجودیت واقعی‌شان رعایت گردد. شهید مزاری به صورت مکرر این مسئله را بیان داشته و از جمله در سخنرانی خزان سال ۱۳۷۱ در این مورد چنین بیان داشته است: «ما مردم افغانستانیم. هیچ نژادی را نمی‌خواهیم نفی کنیم. در افغانستان همه اقوام ساکن بیابند برادروار زندگی کنند و هرکس به حقوق‌شان برسند و هرکس درباره سرنوشت خودش تصمیم بگیرد. اگر کسی بیاید نژاد [قوم] خود را حاکم بسازد و دیگران را نفی بکند، این فاشیستی است. این خلاف رسوم بین‌المللی است.» (مزاری، بی‌تا: ۶۶). ایشان در یکی دیگر از سخنرانی‌های خود حذف و نادیده گرفتن قومی را در افغانستان خیال خام دانسته و معتقد است که «در افغانستان کسی قدرت حذف کردن قومی را ندارد.» (مزاری، بی‌تا: ۵۶).

شهید مزاری در جای دیگر، در یکی از سخنرانی‌های خود، بیان می‌دارد که «همه ملیت‌های ساکن در افغانستان باهم برادرند و دارای حقوق میلیونی می‌باشند و وحدت ملی در افغانستان یک اصل است که لازم است خود مردم در این باره تصمیم بگیرند و سرنوشت خود را تعیین کرده و از دودستگی و تجزیه‌طلبی اجتناب ورزند.» (مزاری، بی‌تا: ۲۵۸-۲۵۹).

شهید مزاری معتقد است که «در طول تاریخ افغانستان حکومت ملی و اسلامی به جود نیامده است و صرفاً یک خاندان و تعدادی قدرت‌طلب بالای مردم ظلم کرده است. اگر ما در این جا بیایم یک حکومت اسلامی که مردم ما می‌خواهند به وجود آوریم که در آن حق همه ملیت‌ها تعیین شده باشد، این کار درستی است.» (مزاری، همان: ۱۴۶).

شهید مزاری در تدوین قوانین دولت نیز نقش اقوام را برجسته دانسته و معتقد است که «اگر نمایندگان ملیت‌های مختلف در ساختن قوانین سهم نداشته باشند، باز هم این قانون طوری تدوین خواهد شد که ملیت‌ها از حقوق خود محروم شوند و اگر سهم داشته باشند، قانونی تدوین خواهد شد که حقوق همه را در نظر بگیرند. اگر آزادی و حقوق انسان‌ها ارزش دارد، باید برای همه باشد.» (مزاری، بی تا: ۷۵).

شهید مزاری در دومین سمینار بررسی مسائل افغانستان بر استقلال مذهبی تأکید ورزیده و خواستار به رسمیت شناخته شدن حقوق و مذهب شیعیان است (مزاری، همان: ۲۰۵). دولت پسا طالبان در کنار مشکلات و آسیب‌های عدیده، دستاوردهای زیادی نیز داشته است که در آن حقوق اقوام، مذاهب و اقلیت‌ها در نظر گرفته شده است و در صلح عادلانه باید از این دستاوردهای ارزشمند پاسداری گردد.

رعایت حقوق بشر و حقوق زنان

یکی از مواردی که مورد توجه شهید مزاری بوده است، در کنار رعایت حقوق اقوام و ملیت‌های ساکن در افغانستان، رعایت حقوق بشر^۱ و حقوق زنان در افغانستان است. شهید مزاری در سمینار بررسی مسائل افغانستان مسئله حقوق بشر و حقوق زنان را یادآوری کرده و از آن در چارچوب شریعت و اسلام در صورتی که مخالفت با اصول اسلام نداشته باشد، بیان می‌کند که «امروز تمدن بشری و مجامع بین‌المللی، یک سلسله اصول و ضوابطی را به‌عنوان حقوق بشر مورد توافق قرار داده است. این توافق روی تحقیق، تجربه، بینش و تلاش‌های تعدادی از دانشمندان جهانی که برای نجات جامعه بشری می‌اندیشیده‌اند، صورت گرفته و به وجود آمده است. مخالفت با حقوق بشر از حرکت پویای مکتب اسلام به دور است. لهذا ما باید از تجربیات بشری و مجامع بین‌المللی کمک بگیریم و از چیزهایی هم که مخالف صریح اصول اسلام‌اند، اجتناب کنیم و نگذاریم در اداره آینده کشور راه پیدا کند.» (مزاری، بی تا: ۱۹۹).

شهید مزاری از حقوق زنان نیز در همان سمینار حمایت کرده بیان داشت: «در افغانستان باید حقوق همه مردم اعم از زن و مرد و پیر و جوان رعایت شود. نصف این جامعه را زن‌ها تشکیل می‌دهند و حق دارند که در تعیین سرنوشت آینده‌شان شرکت کنند و تصمیم بگیرند.» (مزاری، همان: ۱۹۶). شهید مزاری در سخنرانی‌اش در تاریخ ۱۳۷۲/۱۲/۱۳ در کابل در مورد این‌که زنان در آغاز انقلاب هم نقش

۱. حقوق بشر عبارت است از حقوق و آزادی‌های اساسی بشر که نمونه‌های آن که اغلب به‌عنوان حقوق بشر مورد توجه قرار می‌گیرند، شامل حقوق مدنی و سیاسی مانند حق زندگی، آزادی، مالکیت، آزادی بیان، برابر بودن در مقابل قانون؛ و حقوق اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، از جمله حق کار و حق تحصیل می‌باشد. (https://en.wikipedia.org/wiki/Human_rights).

برجسته داشته است و حقوق‌شان باید ضایع نگردد، چنین بیان داشته است: «خواهران در قیام سوم حوت نقش بسیار برجسته داشته است و خواهران قهرمان ما این حرکت را به وجود آوردند، اکنون بعد از ۱۴ سال مبارزه و جهاد، تعدادی از رهبران می‌گویند که نصف جمعیت ما (زنان) حق ندارند برای سرنوشت‌شان حرف بزنند، این سخن عجیب است.» (مزاری، بی‌تا: ۲۴۷).

از خودگذری و کوتاه‌آمدن

روشن است که صلح وقتی بحثش مطرح می‌شود که اختلاف و نزاعی وجود داشته باشد. طرفین درگیر هر کدام خود را حق و طرف دیگر را باطل می‌دانند و انتظار دارند تا طرف مقابل دست از دعوا بردارد و تسلیم خواسته‌های وی گردد. از آن‌جا که این بینش هیچ کمکی به آوردن صلح نمی‌کند، لذا یکی از مؤلفه‌های مهم برای رسیدن به صلح عادلانه، کوتاه‌آمدن طرفین برای رسیدن به آن است.

شهید مزاری در یکی از سخنرانی‌های خود دربارهٔ افشار به موضوع صلح و پایبندی به آن این اصل را در عمل پیاده کرده و به زبان هم آورده است: «ما برای رسیدن به منافع کلان جامعه توافق‌نامهٔ صلح را هر چند خواسته‌های ما در آن برآورده نشده و جنگ بر ما تحمیل گشته بود و ما اگر طرف جنگ بودیم باید طرف صلح هم می‌بودیم و در تهیه و تنظیم توافق‌نامه شریک می‌بودیم؛ اما علی‌رغم همهٔ آن، ما این توافق‌نامهٔ صلح را به‌خاطر مصالح علیای کشور و مردم مانند نوشیدن یک کاسهٔ زهر قبول می‌کنم.» (مزاری، بی‌تا: ۱۵۰-۱۵۸).

مدارای اجتماعی^۱ (هم‌پذیری)

یکی از اصول مهم زندگی مسالمت‌آمیز، مدارای اجتماعی و تقویت روحیهٔ هم‌پذیری، تحمل دیگران و مدارا با مخالفان قومی، مذهبی و سیاسی است. مدارای اجتماعی یک آگاهانه است که شخص و یا قومی علی‌رغم این‌که با اعتقادات، قوم، مذهب و تشکیلاتی مخالف است؛ اما در عین حال از مخالفت، سرزنش و خشونت علیه آن خودداری می‌کند.

افغانستان کشوری است که در آن خرده‌فرهنگ‌های قومی و مذهبی زیادی وجود دارد. زندگی مسالمت‌آمیز همراه با صلح و آرامش در این کشور کثیرالمله وقتی امکان‌پذیر است که روحیهٔ تحمل عقاید، قوم، زبان و در کل فرهنگ متفاوت برای شهروندان و به‌خصوص سیاست‌مداران آن به وجود بیاید. شهید مزاری با درک این واقعیت در یکی از سخنرانی‌های خود چنین بیان داشته است: «ما معتقد هستیم... مسئلهٔ افغانستان وقتی حل می‌شود که مردم و احزاب همدیگر را تحمل بکنند؛ درصدد حذف

1. social tolerance.

یکدیگر نباشند. چه از نگاه اقوام چه از نگاه احزاب و چه از نگاه مذاهب. روش حزب وحدت این است که با کسی جنگ نداریم، برای همه احزاب و ملیت‌ها احترام قائلیم و برای همه حق مساوی طبق نفوس شان می‌خواهیم و بر همین اساس برای مردم خود حق می‌خواهیم. راه‌حل برای افغانستان تفاهم است نه حذف یکدیگر.» (مزاری، بی‌تا: ۲۵۹).

مشارکت همگان در تعیین سرنوشت

یکی از مسائل مهمی که شهید مزاری برای صلح عادلانه و حل بحران کشور مطرح کرده است، این است که همه مردم و اقوام افغانستان همان‌گونه که در آزادی و پیروزی کشور سهم گرفتند، در مورد تعیین سرنوشت و آینده کشور نیز سهم گردند: «همان‌طوری که همه از افغانستان هستیم و برای آزادی افغانستان جنگیدیم، سرنوشت افغانستان را باید خود ما تعیین کنیم نه این‌که سرنوشت میهن ما از آن طرف مرزها و از کشورهای عربی پول توزیع گردد و تعیین شود. ما آینده را خود ما تعیین می‌کنیم.» (مزاری، بی‌تا: ۴۲).

هرچند برخی در کشور مسئله مذهبی را دامن می‌زدند و از این طریق تلاش داشتند شیعیان را به حاشیه رانده و خود به‌عنوان اهل سنت سرنوشت کشور را تعیین کنند؛ اما شهید مزاری معتقد بود که «شیعه و سنی بازی قدرت‌ها است و مردم افغانستان اعم از شیعه و سنی سه‌صد سال است که در کنار هم زندگی کرده است. مطرح‌ساختن شیعه و سنی در تقسیم قدرت یک نوع بازی بیش نیست.» (مزاری، بی‌تا: ۱۹۷).

شهید مزاری یکی از خواسته‌های اساسی و کلیدی‌اش این بود که در مرکز تصمیم‌گیری کشور سهم باشد (مزاری، همان: ۲۶۴)؛ آن‌جا که قدرت توزیع و سیاست‌های کلان اتخاذ می‌شود، آن‌جا حضور داشته باشد. ایشان در سخنرانی که در دومین سمینار بررسی مسائل سیاسی افغانستان در کابل ایراد کرد، فرمود: «مبنای سیاست حزب وحدت این است که همه مردم و اقوام مختلف افغانستان در جهاد و آزادی این کشور سهم داشته‌اند؛ باید در تصمیم‌گیری‌های آینده‌اش هم شریک باشند.» (مزاری، همان: ۱۹۷).

انتخابات آزاد و عادلانه

بدون شک، کشورهای چندقومی و چندمذهبی مانند افغانستان، در مدیریت سیاسی خود بیش‌تر از کشورهای همگن با چالش روبه‌رو هستند. نظام دموکراسی و پایداری به ارزش‌های بنیادین آن می‌تواند برخی از مشکلات عمده کشورهای چندقومی را حل کند.

شهید مزاری در یکی از سخنرانی‌های خود در مورد انتخابات آزاد و عادلانه در دانشگاه کابل چنین بیان داشته است: «خواستۀ ما یک انتخابات عادلانه و آزاد برای مردم افغانستان است که از طریق آن یک دولت قانونی بدون تبعیض از راه انتخابات به وجود آید؛ چیزی دیگری نمی‌خواهیم.» (مزاری، بی‌تا: ۳۳۶).

امروز از میان الگوهای مختلف حکومت‌داری، بهترین نوع حکومت که می‌تواند تأمین‌کننده صلح عادلانه باشد، حکومت جمهوری اسلامی است. انواع دیگر از قبیل امارت اسلامی، سلطنتی و... نمی‌توانند تضمین‌کننده صلح پایدار و تأمین‌کننده حقوق اقوام و مذاهب مختلف در کشور باشد. تجربه نشان داده است که در نظام‌های سیاسی غیر دموکراتیک، آزادی‌های شهروندان محدود و سرکوب مخالفان افزایش و حقوق آن‌ها با چالش مواجه می‌گردد و این امر با صلح عادلانه سازگاری ندارد.

موانع صلح عادلانه

انکار موجودیت مخالفان سیاسی

یکی از موانع مهم صلح عادلانه، انکار و نادیده‌گرفتن مخالفان سیاسی و قومی است. در افغانستان بعد از سقوط حکومت دکتر نجیب‌الله، در کنار عوامل عدیده دیگر که باعث تداوم جنگ گردید، نادیده‌گرفتن بخشی از جامعه بود. نادیده‌گرفتن قوم یا اقوامی، نادیده‌گرفتن مذهب، نادیده‌گرفتن زنان و... هرکدام در شرایط کنونی کشور می‌تواند به‌عنوان مانع صلح عادلانه مطرح باشد. شهید مزاری در بسیاری از سخنرانی‌های خود به این حقیقت اشاره کرده است؛ از جمله وی در سخنرانی ۵ جدی ۷۳ در کابل بیان داشت که «در پیشاور مذاکرات درباره تشکیل دولت ادامه داشت و وقتی سخن درباره حزب وحدت و شیعیان افغانستان آمد، رهبران جهادی مقیم پیشاور گفتند که حرف شیعه‌ها را بعداً می‌زنیم. این‌ها این حرف را سه سال قبل از آن هم گفته بود و ما را نادیده گرفته بود که این امر ما را به این فکر فرو برد که هنوز آن‌ها موجودیت ما را انکار می‌کنند.» (مزاری، بی‌تا: ۲۸۵).

بنیاد اندیشه
تاسیس ۱۳۹۴

تروریسم

کارویژه اصلی تروریسم این است که «در جامعه‌ای که مردم باید در کنار یکدیگر با صلح و آرامش زندگی کنند، با استفاده از ابزارهای غیر قانونی و با ایجاد فضای ترور و وحشت نگذارد صلح عادلانه تحقق پیدا کند.» (ایوبی، ۱۳۹۱: ۶۲۸). در شرایط کنونی افغانستان که هر از چندگاهی شهروندان کشور - اعم از دولتی و ملکی - هدف حملات تروریستی طالبان قرار می‌گیرند، بدون شک این مسئله می‌تواند دست‌یابی به صلح را با مشکل مواجه سازد. صلح عادلانه وقتی امکان‌پذیر است که طرف

درگیر صادقانه دست از تهدید، ترور و جنگ بکشد و زمینه را برای صلح عادلانه و گفت‌وگو آماده نماید.

انحصارطلبی

انحصارطلبی یا تمامیت‌خواهی که در رایج‌ترین معنا عبارت است از تلاش برای محدودسازی برخی امتیازات به خویش و نفی آن از دیگران، یکی از موانع مهم برای رسیدن به صلح عادلانه و از آن طرف عامل اساسی برای جنگ محسوب می‌شود. در طول تاریخ افغانستان، روحیه انحصارطلبی باعث شده بود که قدرت، فرصت، امتیازات و سایر امکانات در انحصار یک گروه قومی خاص قرار داشته باشد و هرگاه این امر آسیب می‌دید و یا گروه و قومی خواستار حق خود می‌شد، در این صورت برای انحصارطلبان سخت تمام می‌شد. شهید مزاری با درک این مانع، آن را در یکی از سخنرانی‌های خود چنین بیان کرده است: «ما حقوق ملت خود را می‌خواهیم و از راه مذاکره سیاسی با گروه‌ها می‌نشینیم، حقوق مردم خود را خواهانیم، عدالت اجتماعی را در جامعه می‌خواهیم و انحصارطلبی را نفی می‌کنیم. اما این که طرف مخالف سیاسی را هیچ‌گونه تحمل ندارد و برای جنگ تصمیم می‌گیرد، این یک چیزی دیگری است.» (مزاری، بی‌تا: ۱۰۶).

شهید مزاری به صورت مشخص در یکی از سخنرانی‌های خود درباره انحصارگرایی دولت ربانی سخنرانی کرده، چنین بیان داشته است: «سفر همه از جمعیت‌اند. در نزدیک به ۶۰ کشور از حزب وحدت یک نفر نماینده هم نیست. ۵۰ سفارتخانه تنها از جمعیت است. ۱۰ تایی آن را به دیگران داده باشند. در ادامه شهید مزاری به انحصار ثروت و درآمد ملی و... اشاره کرده است.» (مزاری، بی‌تا: ۲۶۳). تا کنون در افغانستان هر قومی که قدرت را در اختیار گرفته است، تلاش کرده تمام سمت‌ها را نیز در اختیار قوم خودش قرار دهد. روشن است که با این روش دستیابی به صلح عادلانه دشوار است و هر آن بروز ناامنی و درگیری محتمل است.

شهید مزاری در یکی از سخنرانی‌هایش در سال ۷۳ در کابل می‌گوید: «ما در جبل السراج نشست کردیم و در آن جا بنا نداشتیم قومی را حذف کنیم و به کسی حقش را ندهیم؛ اما عده‌ای از برادران پشتون بر این باور شده بودند که در توافقات جبل السراج پشتون‌ها حذف شده بودند؛ در حالی که این حرف نبود. چیزی که در این جا شده بود این بود که انحصار بشکنند، دیگر در افغانستان انحصارطلبی نباشد.» (مزاری، بی‌تا: ۲۸۴-۲۸۵). وی همین مطلب را با فاروق اعظم، وزیر وقت عودت مهاجرین و شهدا و معلولین، مطرح می‌کند که «در توافقات جبل السراج حذف پشتون مطرح نبود؛ بلکه فقط می‌خواستیم انحصار شما را بشکنیم. حالا [در حکومت ربانی] هم شما بیش از نصف کابینه را در

اختیار دارید.» آقای فاروق اعظم می‌گوید: «درست است ما بیش از نصف کابینه را در اختیار داریم؛ اما صلاحیت نداریم و تصمیم‌گیرنده اصلی ما نیستیم و دولت در انحصار تاجیک‌ها است، از باب نمونه من برای وزارتخانه‌ام به صدراعظم نامه نوشتم که چهل میلیون افغانی بدهد؛ اما در هنگام اجرا یک فرد تاجیک در بانک در پاسخ نوشت این امر در صلاحیت صدراعظم نیست و این در حالی است که رئیس اداره سیاسی وزارت دفاع آقای قانونی چهار میلیارد افغانی را به یک ولایت به‌عنوان تشویقیه می‌دهد، آیا باز هم ما در این مملکت تصمیم‌گیرنده هستیم.» (مزاری، بی‌تا: ۳۱۲).

نژادپرستی یا اتنوستریسم

یکی از عواملی که مانع برای صلح عادلانه می‌گردد، نژادگرایی و اتنوستریسم است. باورمندان به نژادگرایی خود را برتر دانسته و دیگران را هم سطح خود نمی‌دانند؛ بلکه وظیفه اقوام فرودست را خدمت به قوم فرادست می‌دانند. شهید مزاری یکی از فریادهای مکررش این بود که ما با سایر اقوام برابر، برادر و در یک سطح قرار داریم و حقوق یکسانی داریم و باید در مرکز تصمیم‌گیری شریک باشیم. شهید مزاری این مسئله را در جاهای مختلف از جمله در سخنرانی پنجم جدی سال ۱۳۷۳ در کابل به‌صورت مفصل بیان کرده و فرموده است: «اسلام وجود اقوام را صحه گذاشته است و نباید هزاره بودن در افغانستان جرم باشد. ملاک برتری هم در قرآن کریم تقوا دانسته شده است. مشکل افغانستان بر سر این مسئله است که قومی بر قومی دیگر و مذهبی بر مذهبی دیگر ظلم می‌کند و حقوق‌شان را نمی‌دهد. اگر اقوام ساکن در افغانستان، هویت و شخصیت و حقوق همدیگر را نفی نکنند، اگر کسی در این‌جا ظلم نکند، حق دیگری را ضایع نکند، دیگر مشکلی وجود ندارد. تمام جنجال‌ها و درگیری‌ها بر سر همین مسئله امتیازطلبی و جذب همدیگر است. این امتیازطلبی یک دفعه در چهره مذهب است و یک دفعه در چهره نژاد است؛ اما ما معتقدیم آنچه فعلاً در افغانستان جریان دارد، به‌خاطر مسئله نژادی است.» (مزاری، بی‌تا: ۲۷۱-۲۷۷).

تصورات قالبی و قضاوت غیر منصفانه

تصورات قالبی، پیش‌داوری و قضاوت غیر منصفانه، یکی از مهم‌ترین مانع برای صلح عادلانه محسوب می‌گردد. تصورات قالبی به تعمیم‌هایی اطلاق می‌شوند که درباره برخی اقلیت‌های مذهبی، نژادی، قومی و گروهی رواج دارند. در واقع، باورها و تصوراتی که از ویژگی‌های شخصیتی پذیرفته‌ایم، به‌ویژه صفت‌های شخصیتی و رفتارهای گروهی از افراد، تصورات قالبی نامیده می‌شود. در افغانستان یکی از موانع عمده برای صلح عادلانه، تصورات قالبی است. شهید مزاری نمونه‌های زیادی را برای این مشکل در سخنرانی‌های خود آورده است. شهید مزاری جنگ‌های غرب کابل را گزارش می‌کند

و این که رئیس جمهور وقت مکرر گفته بود که مردم هزاره از اولادۀ چنگیز است که هفت صد سال پیش در بامیان جنگیده‌اند. رئیس جمهور وقت برای توجیه کردن هشت جنگ تحمیلی و جنایت‌ها و ظلم‌هایی که در غرب کابل صورت گرفت، چنین بیان داشت: «شما مستحق این جنایت و مستحق این ظلم هستید؛ چون اولادۀ چنگیزید.» (مزاری، بی تا: ۱۴۷). یکی دیگر از تصورات قالبی رقبای سیاسی که همیشه از آن به عنوان یک حربۀ استفاده کرده‌اند، وابستگی مردم هزاره به بیگانگان است (مزاری، بی تا: ۲۵۴). مشخصاً مقصود از بیگانه در این جا جمهوری اسلامی ایران است. شهید مزاری در این مورد نیز به روشنی سخن گفته و از دخالت و هابیت، عربستان سعودی، مصر، پاکستان و... سخن رانده و گفته است که «اگر مزدوری است، اگر دخالت خارج است، این‌ها است.» (مزاری، بی تا: ۲۶۸).

مداخلۀ بیگانگان

یکی از موانع مهم صلح عادلانه، مداخلۀ بیگانگان در مسائل افغانستان است. شهید مزاری با درک این مهم بیان داشت: «در بخش نظامی مردم افغانستان پیروزی چشم‌گیری را به دست آورد که نه تنها باعث آزادی افغانستان گردید؛ بلکه نصف جهان را از لوٹ مارکسیسم پاک کرد؛ اما در بخش سیاسی موفق به تشکیل یک حکومت مردمی، ملی و اسلامی نشد. در این زمینه از طرف برخی سنگ‌اندازی می‌شود و به مردم افغانستان حق داده نمی‌شود تا خودشان، دولت خود را تشکیل دهند و درباره آیندۀ خود، خودشان تصمیم بگیرند.» (مزاری، بی تا: ۶۱). شهید مزاری در یکی از سخنرانی‌های خود به صراحت در مورد مداخلۀ بیگانگان هشدار داده و چنین بیان داشته است که «شانزده سال کشورهای اسلامی به جهاد ما کمک کرده، سرچایش ما از آن‌ها تشکر می‌کنیم فرق نمی‌کند سعودی کمک کرده یا پاکستان و یا ایران و یا کشور دیگری؛ اما ما به آن‌ها حق نمی‌دهیم که در مسائل داخلی ما دخالت بکند. سعودی‌ها نیم میلیارد دالر را به سیاف برای محو و نابودی ما داده است. امروز هم آمده علیه مردم ما فتوا می‌دهد آن وقت یک عالم و سیاست‌مدار نیست که اعتراض کند که تو چه حق داری و چه کاره هستی که علیه مردم افغانستان فتوا می‌دهی؟» (مزاری، همان: ۲۶۸-۲۶۹).

روشن است که جنگ‌های نیابتی و مداخلات کشورهای همسایه و قدرت‌های بین‌المللی همیشه یکی از عوامل مهم برای نرسیدن به صلح عادلانه است که افغانستان از این منظر نیز مواجه با مشکل بوده و از مداخلات بیگانگان در امان نبوده است.

راه‌کار آوردن صلح عادلانه در افغانستان

بدون شک، مردم افغانستان از جنگ طولانی خسته شده و طرفدار صلح عادلانه است. اکنون صلح

به گفتمان غالب در افغانستان تبدیل شده است.

الف. فرهنگ صلح: یکی از گام‌های مهم و راه‌کار برای آوردن صلح عادلانه، ایجاد «فرهنگ صلح» است. فرهنگ صلح آموختنی و یاددانی است که باید در آموزش و پرورش مورد توجه جدی قرار گیرد. معلمان و مبلغان باید تلاش کنند تا فرهنگ زندگی مسالمت‌آمیز را به جای فرهنگ خشونت و ناامنی تبلیغ کنند. فرهنگ صلح به معنای احترام به کرامت انسانی، پایبندی به آزادی مشروع، جلوگیری از نفرت، خشونت، جنگ و حل منازعات از طریق شیوه‌هایی مبتنی بر عدم خشونت مانند آشتی، مذاکره، میانجی‌گری و مصالحه می‌باشد.

ب. توجیه مبلغان دینی طالبان: لازم است نشست‌های دینی با مبلغان طالبان برگزار گردد و به آن‌ها تفهیم شود که افغانستان توسط کفار اشغال نشده، دین اسلام در خطر نیست و در نتیجه جهاد، انتحار و ترور ضرورت ندارد.

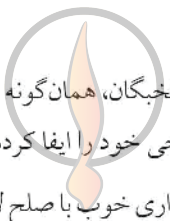
ج. فعالیت جامعه مدنی: جامعه مدنی نیز نقش بسیار سازنده در ایجاد صلح در افغانستان دارد. جامعه مدنی نیز باید متوجه گردد که بنا نیست طالبان در افغانستان حکومت کرده و امارت اسلامی تشکیل دهد؛ بلکه اگر صلح محقق گردد، طالبان در قالب دولت جمهوری اسلامی افغانستان با یک تفاهم‌نامه و شریک‌شدن در قدرت سهم می‌گردد.

د. فعالیت مثبت رسانه‌ها: رسانه‌ها نقش بسیار برجسته در جهت‌دهی افکار عمومی مردم دارد. رسانه‌ها می‌توانند مردم را به وظایف‌شان آگاه سازند و مزایای صلح را برای مردم بازگو و دربارهٔ هراس از آمدن طالبان مردم را مطلع سازند.

هـ. نخبگان و مصلحان اجتماعی: نخبگان، همان‌گونه که در گذشته نقش برجسته داشته‌اند- اکنون در پروسهٔ صلح لازم است نقش تاریخی خود را ایفا کرده و روند صلح را تسریع بخشند.

و. حکومت‌داری خوب: حکومت‌داری خوب با صلح لازم و ملزوم یکدیگراند. بدون حکومت‌داری خوب نمی‌توان توقع تأمین صلح عادلانه و پایدار در یک کشور را داشت. باید دانست که بدون فراهم‌آوری زمینهٔ رفاه و بهزیستی اجتماعی در یک کشور نمی‌توان صلح را برای درازمدت در آن‌جا تأمین کرد. صلح عادلانه وقتی امکان‌پذیر است که دامن فساد برچیده شود و حکومت همراه با اقتدار زمینه‌های ناامنی را از بین برده و در راستای تطبیق قانون تلاش ورزد.

ز. تداوم گفت‌وگو با مخالفان تا رسیدن به توافق: یکی دیگر از راه‌کارهای ایجاد صلح، استمرار گفت‌وگو با مخالفان تا رسیدن به صلح عادلانه است.



ح. خروج نیروهای خارجی: شایسته است زمینه خروج نیروهای خارجی از افغانستان فراهم گردد تا بهانه طالبان از بین رفته و مردم افغانستان خود سرنوشت آینده خود را رقم بزنند.

ط. از بین بردن مظاهر بی‌دینی و بی‌بندوباری: یکی از عواملی که همیشه برای قشر متدین افغانستان ناخوشایند بوده است، فساد در جامعه است. از بین بردن فساد هم در آمدن امنیت و صلح کمک می‌کند.

ی. تشکیل حکومت فدرالی: یکی دیگر از راه‌های بیرون‌رفت از وضعیت نابسامان کنونی، نظام فدرالی است. شهید عبدالعلی مزاری در یکی از مصاحبه‌هایش بیان داشته است که «ما تنها راه حل مشکل افغانستان را در این کشور، تشکیل حکومت فدرالی می‌دانیم.» (مزاری، ۱۳۹۶: ۸۲).

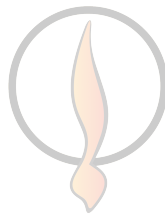
نتیجه‌گیری

جامعه افغانستان بیش از چهار دهه است که از جنگ رنج می‌برد. خسارات به‌جامانده از جنگ بسیار گسترده است که هر روز ده‌ها قربانی دارد. در این مقاله، صلح عادلانه در اندیشه شهید عبدالعلی مزاری با مراجعه به سخنرانی‌های به‌جامانده از وی بازخوانی گردیده است. مهم‌ترین یافته‌ها در سه بخش مؤلفه‌ها، موانع و راه رسیدن به صلح با روش کتابخانه‌ای تنظیم شده است که البته زمینه تحقیق بیشتر وجود دارد. عناصر صلح عادلانه در اندیشه شهید مزاری را می‌توان با در نظر داشتن کرامت انسانی، پذیرفتن مخالفان و داشتن اراده جدی برای آوردن صلح اموری چون: عدالت اجتماعی، انصاف، اندیشه و قضاوت منطقی، رعایت حقوق همه اقوام، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های کلان، از خودگذری و مدارای اجتماعی دانست. برای هریک از عناصر فوق در گفته‌ها و سخنرانی‌های شهید مزاری مؤیدها و نمونه‌هایی وجود دارد که برای امروز جامعه افغانستان توجه به آن بسیار راه‌گشا است.

بدون شک، برای رسیدن به صلح عادلانه مدنظر شهید مزاری، موانعی نیز وجود دارد که انکار وجود مخالفان قومی و سیاسی، انحصارطلبی، قوم‌گرایی، تروریسم، تصورات قالبی و مداخله بیگانگان از جمله آن موانع شمرده می‌شود که شهید مزاری بدان اشاره کرده و خطرات آن را یادآوری نموده است. در عین حال، برای رسیدن به صلح راه‌کارهایی وجود دارد که جریان‌سازی گفتمان صلح، فعالیت جامعه مدنی، حکومت‌داری خوب، تداوم گفت‌وگو با مخالفان، خروج نیروهای خارجی و از بین بردن مظاهر بی‌بندوباری و فساد از جمله مهم‌ترین راه‌کارها برای رسیدن به صلح به حساب می‌آید.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ایوبی، حجت‌الله (۱۳۹۱)، ائتلاف جهانی علیه تروریسم برای صلح عادلانه، تهران، مجمع جهانی صلح اسلامی.
۴. برهانی، محمدجواد، سیره اجتماعی امام علی (ع)، چاپ نشده.
۵. مزاری، عبدالعلی (۱۳۷۴)، احیای هویت، مجموعه‌سخنرانی‌های استاد شهید، به کوشش مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، قم، انتشارات سراج.
۶. مزاری، عبدالعلی (۱۳۹۶)، فریاد عدالت، به کوشش عبدالله غفاری لعلی، کابل، بنیاد اندیشه.
۷. مزاری، عبدالعلی (۱۳۹۷)، احیای هویت، مجموعه‌سخنرانی‌های شهید وحدت ملی استاد عبدالعلی مزاری، به کوشش امان‌الله فصیحی و حسین حیدریگی، کابل، بنیاد اندیشه.
۸. مزاری، عبدالعلی (بی‌تا)، احیای هویت، مجموعه‌سخنرانی‌های استاد شهید، به کوشش محمدجاوید جاوید، کابل، انتشارات امیری.
۹. میرمحمدی، معصومه‌سادات (۱۳۹۰)، «مقایسه صلح پایدار در اندیشه انسان‌محور کانت و صلح عادلانه در اندیشه متفکران شیعی»، مجله معرفت ادیان، سال دوم، شماره ۴.
10. https://en.wikipedia.org/wiki/Human_rights.



بنیاد اندیشه
تاسیس ۱۳۹۴